

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

فہم قرآن کریم

آیات درس ششم و ہفتم کتاب درسی

پایہ یازدہم

دورہ دوم متوسطہ

ویژہ مرحلہ آموزشگاہی مسابقات قرآن



وزارت آموزش و پرورش
معاونت پرورشی و فرهنگی
اداره کل قرآن، عترت و نماز



درس ششم

فرمان عفو عمومی^۱

سال سوم هجری است. پیامبر مطلع شد که مشرکان با سه هزار سواره و دو هزار پیاده و با تجهیزات کافی به سوی مدینه در حرکتند. حضرت با یاران خویش به مشورت نشست و موضوع دفاع را با آنها در میان گذاشت و در اینکه در داخل مدینه به پیکار دست بزنند و از خود دفاع کنند و یا اینکه از شهر خارج شوند با مسلمانان مذاکره کرد.

گروهی طرفدار جنگ در شهر بودند، اما جوانان و جنگجویان با این موافق نبودند و گفتند باید کاری کنیم که مشرکان در ما طمع نکنند و جرات تجاوز به سرزمین ما را نداشته باشند. پیامبر این نظر را پسندید و یاران خود را بسیج و پس از اقامه نماز جمعه عازم منطقه احد شدند و حضرت شخصاً فرماندهی جنگ را بر عهده داشت.

وقتی به احد رسیدند پیامبر عبدالله بن جبیر را با پنجاه نفر از تیراندازان ماهر مامور حفاظت از دهانه شکاف کوه قرار داد که احتمال نفوذ دشمن بود و به آنها سفارش کرد در هر حال این منطقه را ترک نکنند.

جنگ شروع شد ابوسفیان به نام بت‌ها و جلب توجه زنان زیبا جنگجویان خود را سر ذوق می‌آورد اما پیامبر اسلام به نام خدا و الطاف او مسلمانان را تشویق می‌کرد. صدای الله اکبر تمام منطقه را پر کرده بود.

ابتدا مسلمانان با یک حمله شدید توانستند لشکر دشمن را در هم بشکنند و آنها پا به فرار گذاشتند. این پیروزی باعث شد که مسلمانان به جمع‌آوری غنائم پردازند. حتی پنجاه نفری که مامور بودند از جای خود جابجا نشوند به طمع غنائم از کوه سرازیر شده و هرچه فرمانده گفت سخن او را نادیده گرفته و تنها هفت نفر وفادار ماندند.

دشمن هم هوشمندی به خرج داده از همان دهانه شکاف کوه نفوذ کرد. مسلمانان ناگهان خود را در محاصره دشمن دیده، پا به فرار گذاشتند. نظم و هماهنگی از بین رفته بود و لشکر از هم پاشیده بود.



در همین موقعیت بود که پیامبر اسلام عزیزترین سرداران خود مثل حمزه سیدالشهدا و مصعب را از دست داد و آنان به مقام شهادت رسیدند و در این شرایط سخت این علی بن ابیطالب بود که با کمال رشادت می‌جنگید تا اینکه شمشیرش شکست و پیامبر شمشیر خود را به او داد و آنقدر زخم برداشت که بدنش جای سالمی نداشت و عاشقانه از جان پیامبر حراست کرد به طوری که به گفته امام صادق علیه السلام پیامبر پیک وحی را در میان زمین و آسمان مشاهده کرد که می‌گوید: **لَا فَتَىٰ إِلَّا عَلِيٌّ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ**

از طرفی فراریان به شهر رسیده و با اعتراض زنان مسلمان روبرو شدند که چرا میدان جنگ را ترک کرده‌اید؟ آنها هم به میدان جنگ برگشته و اطراف پیامبر را گرفته و ضمن اظهار پشیمانی تقاضای عفو و بخشش کردند. آیاتی که می‌خوانیم دستوری است که از آسمان برای پیامبر آمده درباره دستور عفو عمومی. پیامبر هم خطاکاران توبه کار را با آغوش باز پذیرفت و فصل جدیدی از تاریخ مسلمانان آغاز شد.

فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾

به لطف خدا بود که با فراری‌های جنگ احد به نرمی و ملایمت رفتار کردی. اگر خشن و سنگدل بودی از دورت پخش و پلا می‌شدند. پس از خطاهایشان چشم‌پوش و برایشان آمرزش بخواه و در کارها با آنها مشورت کن. وقتی هم تصمیم به کاری گرفتی به خدا توکل کن که خدا اهل توکل را دوست دارد.

انسان‌های بزرگ از تهدیدها، فرصت می‌سازند گرچه جنگ احد پایان تلخی داشت و پیامبر بهترین نیروهایش را از دست داد و مشرکین با خوشحالی و تبلیغات رسانه‌ای به مکه برگشتند اما مسلمانان با مدیریت و اخلاق خوش پیامبر درس‌های بسیاری گرفتند و تجربه‌های مهمی اندوختند که در آینده به کارشان آمد.

پیامبر عزیز اسلام مامور به مهربانی با خطاکاران شد و خداوند دستور داد از تقصیر آنها بگذرد و برای آمرزش آنها دعا کن و از آنها شفاعت کن و بالاتر از این همچون گذشته به آنها احترام بگذار و با آنها مشورت کن.

این دستورات الهی و عملکرد پیامبر باعث شد که مسلمانان از هم نپاشند و پروانه‌وار دور شمع پیامبر(ص) بچرخند و کوتاهی‌های خود را جبران کنند.

از این آیه می‌آموزیم؛

۱- نرمش با مردم لطف الهی است.

۲- افراد خشن نمی‌توانند مدیریت و مردم‌داری کنند.

۳- نظام حکومتی اسلام بر مبنای محبت و اتصال به مردم است.

۴- خطاکاران پشیمان و گناهکاران شرم‌منده را بپذیرید و جذب کنید.

۵- ارزش مشورت را با ناکامی‌های موسمی نادیده نگیرید.

۶- در مشورت پیامبر، تفقد از نیروها، شکوفایی استعدادها، شناسایی دوستان از دشمنان، گزینش بهترین دیدگاه‌ها و ایجاد محبت و علاقه نهفته بود.

۷- ظلمی را که به تو کردند عفو کن و برای گناهی که نسبت به خدا کردند طلب آمرزش کن.

۸- استغفار پیامبر درباره گناهکاران به دستور خداست و مورد قبول.

۹- در کنار فکر و مشورت از توکل به خدا غافل مشو.

إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذِكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾

اگر خدا کمکتان کند کسی حریفتان نمی‌شود و اگر رهایتان کند جز او چه کسی کمکتان می‌کند بنابراین مومنان باید فقط به خدا توکل کنند.

قدرت خدا بالاترین قدرت‌هاست. او از هر کسی حمایت کند کسی نمی‌تواند بر او پیروز گردد. همانطور که اگر حمایت خود را از کسی برگیرد هیچ کس قادر به حمایت او نیست. سرچشمه همه پیروزی‌ها اوست. باید به او تکیه کرد و از او کمک خواست.

در آیه قبل به پیامبر فرمود؛ به خدا توکل کن. در این آیه مومنان را تشویق به توکل می‌کند. ناگفته پیداست که حمایت خداوند بی حساب نیست بلکه روی شایستگی‌ها و لیاقت‌ها صورت می‌گیرد. آنها که با صفوف فشرده و انگیزه‌های خالص و عزم‌های راسخ و تهیه وسایل به مبارزه با دشمن برمی‌خیزند مورد حمایت خداوند قرار می‌گیرند.

در حدیث آمده رسول خدا از جبرئیل پرسید تو کل چیست؟ گفت: اینکه بدانیم مخلوق سود و زیانی به تو نمی‌رساند و از غیر خدا قطع امید کنی.
برمی‌گردیم به داستان جنگ احد. هنگامی که بعضی از تیراندازان احد می‌خواستند سنگر حساس خود را برای جمع‌آوری غنائم تخلیه کنند. امیر و فرمانده آنها گفت: از جای خود حرکت نکنید رسول خدا (ص) شما را از غنیمت محروم نخواهد کرد.
ولی آن دنیاپرستان گفتند: می‌ترسیم در تقسیم غنائم پیامبر ما را از نظر دور دارد، پس باید چیزی برای خود دست و پا کنیم.
این را گفتند و سنگرهای خود را ترک کردند و به جمع‌آوری غنائم پرداختند و آن حوادث پیش آمد.

قرآن کریم در پاسخ چنین افرادی می‌فرماید:

وَمَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَغْلُ وَمَنْ يَغْلُ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾

محال است پیامبری خیانت کند هر کس خیانت کند روز قیامت با همان خیانتش حاضر می‌شود پس به هر کس کارهایی را که کرده به طور کامل پس می‌دهند و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند.

خداوند در این آیه ساحت مقدس پیامبران را از خیانت پاک داشته و می‌فرماید: چنین چیزی شایسته مقام نبوت نیست. اگر پیامبری خائن باشد نمی‌توان در تبلیغ دین و رساندن پیام خدا به او اعتماد کرد. پیامبران امین خدا و مردم هستند.

پیامبران بیش از هر کس به قیامت باور دارند و از خیانت به دورند و این آیه تاثیر عجیبی بر مسلمانان گذاشت و آنچنان تربیت شدند که خیانت به غنائم جنگی و اموال عمومی را گناهی بزرگ می‌دانستند. حتی از دست زدن به مالی جزئی مثل نخ و سوزن پرهیز کردند. گویا صحنه قیامت را با چشم خود می‌دیدند.

مجدداً به ماجرای جنگ احد برمی‌گردیم. هنگامی که پیامبر فرمان حرکت به سوی میدان جنگ را صادر کرد. جمعی از منافقان و ضعیف‌الایمان‌ها به بهانه‌های مختلف از آمدن به جبهه خودداری کردند.

قرآن کریم درباره چنین کسانی می‌فرماید:

أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦٢﴾ هُمْ
دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾

آیا آنانی که دنبال رضای خدایند مثل آنهایی هستند که گرفتار خشم خدا و جایشان جهنم است؟! پایان او بسیار بد است. بله آنان که در طلب رضای خدایند پیش خدا بلند مرتبه‌اند و خدا می‌بیند چه می‌کنند.

از نظر قرآن انسان متعهد و مسئول است در برابر خدا و مردم و فرار از مسئولیت گناهی نابخشودنی است. همه باید بدانند که افراد مسئولیت‌پذیر با افراد تن‌پرور با هم فرق دارند. به تفاوت درجه فداکاری و جانبازی که از صفر شروع می‌شود تا بی‌نهایت ارزش انسان‌ها به مسئولیت‌پذیری انسان‌هاست. بزرگان دین ما برای زمان به تکلیف رسیدن جشن می‌گرفتند و شانه‌های خود را برای انجام بار مسئولیت آماده می‌کردند. طبق این آیه کسی که شانه از بار مسئولیت خالی کند مورد خشم خدا واقع شده و جایگاهش جهنم است.

نیاز انسان به وحی الهی و بعثت پیامبران:

می‌رسیم به آیه‌ای که بزرگترین نعمت الهی را مطرح می‌کند.

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿١٦٤﴾

به یقین خدا بر مومنان منت گذاشت که در بینشان پیامبری از خودشان فرستاد که آیه‌هایش را به دقت برایشان بخواند و جانشان را از آلودگی‌ها پاک کند و کتاب آسمانی و حکمت یادشان دهد در حالی که قبلش واقعاً غرق در گمراهی بودند.

خداوند نعمت‌های زیادی به ما انسان‌ها داده؛ مادی، معنوی، جسمی، روحی، فردی، آسمانی. اما بزرگترین نعمت خدای مهربان، فرستادن راهنمایانی است که با دلسوزی و خیرخواهی و آگاهی فراوانی که خداوند به آنها داده ما انسان‌ها را به راه درست هدایت کنند.

ممکن است کسی بپرسد که آمدن پیامبران برای همه بشریت است. چرا در آیه گفته برای مومنان؟ پاسخ این است که چون تنها مومنان هستند که از این نعمت بزرگ استفاده می‌کنند.

سپس می‌فرماید یکی از مزایای این پیامبر این است که او از جنس خود شماسست نه از جنس فرشتگان. مثل شما محتاج آب و غذاست. مثل شما در معرض بیماری و حوادث است. مثل شما با دشمنی دشمنان مواجه است اما با ایمان و آگاهی طوری برنامه‌ریزی می‌کند که بر حوادث مسلط باشد و موانع را کنار بزند و خود را به قله‌های کمال برساند. ویژگی بعدی این پیامبر این است که آیات کتاب خدا را بر مردم می‌خواند.

يَتْلُو عَلَيْهِم آيَاتِهِ

کتابی که بهترین آگاهی‌ها را در اختیار انسان قرار می‌دهد؛ شناخت خدا، شناخت جهان، شناخت گذشته، شناخت آینده و شناخت دردها و درمان‌ها.

پیامبر عزیز اسلام با صدایی خوش همراه با احساسی تماشایی و شوق‌انگیز آیات قرآن را برای مسلمانان می‌خواند و آنها لذت می‌بردند. اشک می‌ریختند. حفظ می‌کردند و به دیگران می‌آموختند.

ویژگی دیگر پیامبر تزکیه و تربیت است. پیامبر اسلام، مردم را تربیت می‌کرد. از زشتی‌ها و بدی‌ها پاک می‌کرد. آنها را رشد می‌داد. در واژه تزکیه، پاکی و رشد در کنار هم نهفته است. پیامبر عزیز اسلام الگوی اخلاق بود. فرمود مبعوث شدم تا بزرگی‌های اخلاقی را به اتمام برسانم. صداقت و راستگویی، امانت و وفای به عهد، حق‌پذیری و حق‌گویی، تواضع و فروتنی، عفو و گذشت، مهمان‌نوازی و مردم‌دوستی، دستگیری از ضعیفان و بیچارگان بخشی از مکارم اخلاقی بود که به جامعه بشری عرضه کرد.

پس از تزکیه تعلیم

امروزه در کشورها وزارت آموزش و پرورش وجود دارد. اما اگر به قرآن مراجعه کنیم می‌گویید درست این است که بگوییم وزارت پرورش و آموزش. اول باید ظرف دل‌ها را پاک و تمیز کرد آنگاه علم و دانش در آن ریخت. ریختن آب در ظرفی که کثیف است با نفرت و بیزاری روبرو می‌شود. ریشه بسیاری از جنایاتی که توسط جنایتکاران صورت می‌گیرد در این است که آموزش بوده اما تربیت و اخلاق نبوده. طرح اسلام این است که بچه‌ها مقدم بر تعلیم

باید ساخته شوند، پاکیزه شوند و به اخلاق انسانی آراسته شوند. آنگاه آموزش‌هایی که می‌بینند در مسیر درست به کار خواهند برد.

محتوای آموزشی پیامبر نیز یکی کتاب خدا و دیگر حکمت یعنی فکرهای درست و محکم و بی‌نقص و نگاه‌های حکیمانه و هدفمند به جهان و انسان است. در یک کلمه پیامبران علاوه بر دانش، بینش را به انسان‌ها تعلیم می‌دادند.

جالب این است که در پایان آیه می‌فرماید:

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١٦٤﴾

همه بدانند؛ بدون آمدن پیامبران بشریت نمی‌تواند به این معارف دست یابد و هرچه تلاش کند به بیراهه خواهد رفت. پاسخ پرسش‌های مهمی که در حافظه همه انسان‌ها هست، مثل اینکه من کیستم؟ چه کسی و برای چه منظوری مرا به اینجا آورده؟ وظیفه‌ام در اینجا چیست؟ به کجا می‌روم؟ تنها در مکتب پیامبران پیدا می‌شود و مکاتب بشری توان پاسخگویی به این سوالات را ندارند و ناچارند در پایان قرن بیستم کتابی بنویسند و نام آن را «انسان موجود ناشناخته» بگذارند

آیات و ترجمه

سوره آل عمران
آیات ۱۵۹-۱۶۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ترجمه	آیات
<p>پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعا از پیرامون تو پراکنده می شدند پس از آنان در گذر و برایشان آموزش بخواه و در کار[ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد (۱۵۹)</p>	<p>فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (۱۵۹)</p>
<p>اگر خدا شما را یاری کند هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر دست از یاری شما بردارد چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند (۱۶۰)</p>	<p>إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۶۰)</p>
<p>و هیچ پیامبری را نسزد که خیانت ورزد و هر کس خیانت ورزد روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید آنگاه به هر کس [پاداش] آنچه کسب کرده به تمامی داده می شود و بر آنان ستم نرود (۱۶۱)</p>	<p>وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوْفَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۶۱)</p>
<p>آیا کسی که خشنودی خدا را پیروی می کند چون کسی است که به خشمی از خدا دچار گردیده و جایگاهش جهنم است و چه بد بازگشتگاهی است (۱۶۲)</p>	<p>أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۶۲)</p>
<p>[هر یک از] ایشان را نزد خداوند در جاتی است و خدا به آنچه می کنند بیناست (۱۶۳)</p>	<p>هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۱۶۳)</p>
<p>به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را برایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد قطعا پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند (۱۶۴)</p>	<p>لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۱۶۴)</p>



درس ششم

ملت یهود در معرض یک امتحان^۱

خداوند مهربان‌ترین مهربان‌هاست و نعمت‌های بی‌شمار به ما داده که اگر بخواهیم بشماریم نمی‌توانیم.

نعمت‌های جسمی مثل چشم، گوش، دست، پا

نعمت‌های روحی مثل قلب و اراده و عشق

نعمت‌های مادی مثل باد و باران و زمین و آسمان

نعمت‌های معنوی مثل هدایت و راهنمایی و مهرورزی و همبستگی

اما از میان این همه نعمت در قرآن کریم بعضی از نعمت‌ها به صورت ویژه نام برده شده و از انسان‌ها خواسته شده که هرگز این نعمت‌ها را فراموش نکنید که غالب آنها نعمت‌های معنوی و اجتماعی است.

مثل نعمت کتاب آسمانی، فرستادن پیامبران، اتحاد و برادری، پیروزی بر دشمن، استقلال و عزت، آزادی و رهایی از چنگ دشمن

اکنون ببینیم بنی اسرائیل با این نعمت‌ها چه برخوردی کردند.

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا
وَأَتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ (۲۰)

به یاد آورید هنگامی را که موسی به مردمش گفت: ای مردم لطف‌های خدا را در حق خودتان فراموش نکنید. وقتی بین شما پیامبرانی فرستاد و شما را صاحب اختیار خود قرار داد به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نداده بود.

خداوند مهربان برای زنده کردن روح حق‌شناسی و بیدار کردن یهودیان در برابر خطاهایی که مرتکب شده بودند، می‌فرماید: اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ ياد کنید نعمت خدا را، یاد نعمت‌ها روحیه شکرگزاری را در ما زنده می‌کند و فراموش کردن نعمت‌ها زمینه گرفته شدن آنها می‌شود.



آنگاه به ۳ سنت ویژه اشاره می کند:

۱- سنت وجود پیامبران و رهبران الهی که در پرتو هدایت‌های آنها از شرک و بت پرستی و خرافات و زشتی‌ها نجات پیدا کردند.

۲- نعمت استقلال و عزت، سالیان دراز بنی اسرائیل اسیر و برده فرعونیان بودند. پسران آنها را می‌کشتند و زنان را مورد سوءاستفاده قرار می‌دادند. حالا ملتی شده بودند مستقل. خودشان صاحب اختیار خود بودند. خودشان سرنوشت خود را رقم می‌زدند و زیرا یوغ هیچ استعمارگری نبودند.

۳- نعمت‌های ویژه‌ای که تاکنون به هیچ ملتی داده نشده بود. مثل غذای مخصوصی به نام من و سلوا.

حالا چند سالی از پیروزی انقلاب گذشته و نسل‌های جدید آمده‌اند. امتحان جدیدی برای این مردم انقلابی پیش آمده و آن این بود که رهبرشان تهاجمی را از طرف جباران احساس کرد که سرزمین‌های مقدس را اشغال کرده‌اند. به مردم گفت:

يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ (۲۱)

ای مردم به سرزمین مقدس حاصلخیز شامات وارد شوید که خدا برایتان مقدر کرده است. به دشمن پشت نکنید و پا به فرار نگذارید که آن وقت شکست سختی خواهید خورد. اما بنی اسرائیل که تن پرور شده بودند به این پیشنهاد پاسخ مثبت ندادند و با احساس ضعف و ترس به پیامبرشان گفتند:

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنُودِخُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ (۲۲)

ای موسی تو که می‌دانی در این سرزمین جمعیتی جبار و زورگو زندگی می‌کنند. تا آنها از آن سرزمین کوچ نکنند ما پایمان را آنجا نخواهیم گذاشت اول آنها بروند بعد ما می‌رویم آنجا.

توجه کنید که مردم چقدر بی‌مسئولیت و تن پرور شده بودند و حال مبارزه نداشتند. انتظار داشتند که دشمن سفاک خودش منطقه را ترک گفته و تحویل آنها دهد و به اصطلاح لقمه را بگیرند و در دهانشان بگذارند.

این پاسخ بنی اسرائیل نشان می‌دهد که هنوز آثار استعمار فرعون‌ی باقی مانده و مردم از پاکسازی سرزمین مقدس وحشت دارند. از قدرتمندان می‌ترسند و اعتماد به نفس ندارند. آنها سرگرم زندگی مادی و لذت‌های زودگذر شده و از همت‌های عالی و اراده‌های محکم مبارزه با فرعون غافل شده‌اند. از این آیات می‌آموزیم؛

۱- سرزمین‌های مقدس را باید از چنگ اشغالگران ناهل بیرون آورد.

۲- عقب نشینی از جنگ نشانه روحیه ضعیف و عصیانگری است.

۳- شکر نعمت‌های الهی مثل رهبری رهبران الهی مسئولیت دارد.

۴- باید دشمن را بیرون کرد نه اینکه صبر کنیم تا خودش بیرون برود چون این ساده لوحی است.

۵- تفکر پیروزی بدون مبارزه تفکری نادرست است.

سپس قرآن می‌گوید در این هنگام دو نفر از مردان با ایمان که ترس از خدا در دل آنها جا داشت و به همین دلیل مشمول نعمت‌های بزرگ او شده بودند و روح استقامت و شهامت را با دورانیشی و آگاهی اجتماعی و نظامی آمیخته بودند به دفاع از فرمان رهبرشان حضرت موسی به پا خاستند و به بنی اسرائیل گفتند:

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ اللَّهَ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۳)

شما از دروازه شهر وارد شوید هنگامی که وارد شدید و دشمن را در برابر عمل انجام شده قرار دادید پیروز خواهید شد. ولی باید در هر صورت از روح ایمان کمک گرفته و بر خدا توکل کنید تا به هدف برسید.

آری روحیه خداترسی به مومن، قوت و قدرت، شجاعت و شهامت می‌دهد و از غیر خدا نمی‌ترسد و مورد لطف خدا قرار می‌گیرد. آری خداپرستان در جنگ‌ها با این روحیه دشمن را غافلگیر می‌کردند و او را به عقب‌نشینی وادار می‌کردند.

ولی متأسفانه بنی اسرائیل هیچ کدام از این پیشنهادها را نپذیرفتند و جسارت و بی‌ادبی را به نهایت خود رسانده و صریحاً به حضرت موسی گفتند:

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنُ دَخَلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (۲۴)

ما تا آنها در این سرزمین هستند، هرگز وارد آن نخواهیم شد. اصلاً خودت و خدایت بروید و با آنها بجنگید. ما هم همین جا منتظر پیروزی تان می‌نشینیم.

آنها رهبر و وعده‌های او را تحقیر کردند. حتی به پیشنهاد آن مردان صالح هم بی‌اعتنایی کردند. دل رهبرشان را شکستند و او را غریب و تنها گذاشتند.

اینجا بود که موسی علیه السلام از جمعیت مایوس گشت و دست به دعا برداشت و جدایی خود را از آنها اینگونه درخواست کرد.

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أُمَلِّكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۲۵)

گفت خدایا من و برادرم فقط اختیار خودمان را داریم. خداوندا میان ما و این جمعیت متمرّد و نافرمان، جدایی بيفکن تا نتیجه اعمال خود را ببینند. خدایا خودت داوری فرما.

سرانجام دعای موسی علیه السلام به اجابت رسید و بنی اسرائیل نتیجه شوم اعمال خود را گرفتند. زیرا از طرف خداوند چنین وحی شد؛

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۲۶)

خداوند فرمود حالا که سرپیچی و بی‌ادبی کردند، ورودشان به آن سرزمین چهل سال ممنوع شد و در این مدت در بیابان‌ها آواره و سرگردان می‌مانند و هرچه بر سرشان بیاید به جاست و تو از این سرنوشت غمگین مباش.

ملتی که حاضر نشد در مدت کوتاه زیر نظر رهبری بزرگ همانند موسی علیه السلام به میدان مبارزه آمده، روح و جان خود را شستشو دهد و با یک جهش سریع زندگی نوینی که توام با افتخار و سربلندی باشد را آغاز نماید باید ده‌ها سال خواری و ذلت و آوارگی را تحمل کند. باید در بیابان‌ها سرگردان باشند، بچه‌ها در این بیابان‌ها به دنیا بیایند و آرامش نداشته باشند. از این آیات می‌آموزیم؛

۱- کسی که از خدا می‌ترسد احساس مسئولیت می‌کند و از رهبر الهی فرمان می‌برد.

۲- اگر مومنان با شجاعت وارد شوند، دشمنان میدان را ترک می‌کنند.

۳- اصل در موفقیت و پیروزی تنها امکانات مادی نیست، بلکه ایمان و توکل نیز لازم است.

۴- در یک جمع تن‌پرور دو نفر شجاع کارشان قابل ستایش است.

۵- پیشنهاد درست خود را بیان کنید حتی اگر پذیرفته نشود.

۶- مردم باید خود برای سرنوشت خود قدم بردارند، نه اینکه تنها از خدا توقع نصرت داشته باشند.

۷- وقتی مردم به پیامبرشان بی‌اعتنایی کنند باید منتظر قهر خدا باشند.

۸- فراریان از جنگ باید محرومیت بکشند.

آیات و ترجمه

سوره مائده
آیات ۲۶-۲۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ترجمه	آیات
<p>(بیاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت ای قوم! نعمت خدا را بر خود متذکر شوید هنگامی که در میان شما پیامبرانی قرار داد (و زنجیر استعمار فرعونى را شکست) و شما را صاحب اختیار خود قرار داد و به شما چیزهائی بخشید که به هیچیک از جهانیان نداده بود.</p>	<p>وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٠﴾</p>
<p>ای قوم! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته وارد شوید و به پشت سر خود باز نگردید (و عقب نشینی نکنید) که زیانکار خواهید شد.</p>	<p>يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿٢١﴾</p>
<p>گفتند ای موسی در آن (سرزمین) جمعیتی ستمگرند و ما هرگز وارد آن نمی شویم تا آنها خارج شوند، اگر آنها از آن خارج شوند ما وارد خواهیم شد!</p>	<p>قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَدْخُلُهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ ﴿٢٢﴾</p>
<p>دو نفر از مردانی که از خدا می ترسیدند و خداوند به آنها نعمت (عقل و ایمان و شهادت) داده بود گفتند شما وارد دروازه شهر آنان شوید هنگامی که وارد شدید پیروز خواهید شد و بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید.</p>	<p>قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾</p>
<p>(بنی اسرائیل) گفتند ای موسی تا آنها در آنجا هستند ما هرگز وارد آن نخواهیم شد، تو و پروردگارت بروید و (با آنان) جنگ کنید، ما همینجا نشسته ایم!!</p>	<p>قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ ﴿٢٤﴾</p>
<p>(موسی) گفت پروردگارا! من تنها اختیار خودم و برادرم را دارم، میان من و این جمعیت گنهکار جدائی بیفکن!</p>	<p>قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٥﴾</p>
<p>خداوند (به موسی) فرمود: این سرزمین تا چهل سال بر آنها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید) پیوسته در زمین سرگردان خواهند بود و درباره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار غمگین مباش.</p>	<p>قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾</p>
<p>فرعون گفت: ای هامان! برای من بنای مرتفعی بساز شاید به وسائلی رسم.</p>	<p>وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾</p>